



از "صلح دوفاکتو" تا بحران ناامیدی

آذر مدرسی

هنوز جوهر انتخاب مجدد روحانی بعنوان رئیس جمهور خشک نشده بود که کشمکش و جدال در جناح پیروز شروع شد. "اصلاح طلبان" سرخورده از "بی وفایی" روحانی و "از پشت خنجر خوردن" خود میگویند و به دنبال راهی برای سر بلند کردن مجدد و انجام رسالت و وظیفه تاریخی خوداند. طرح "آشتی ملی" شان قبل از انتخابات که با حمله "آقا" به عقب رانده شد، جای خود را به طرح "صلح دوفاکتو" داد. صلح دوفاکتو میان جناحهای رژیم را "نیاز ملی" میخوانند. هشدار میدهند در اوضاع نابسامان اقتصادی و سیاسی امروز، حاشیه ای شدن

این جناح و قطع امید جامعه از آنها، "جناح سوم"، مردم ناراضی، را به دنبال "راههای دیگری" برای تغییر خواهد برد. ... صفحه ۲ ←

گزارشی از یک آکسیون اعتراضی در لندن!

روز دوشنبه سی ام اکتبر ساعت ۱ ظهر به فرخوان حزب حکمتیست (خط رسمی) واحد لندن، آکسیونی مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در اعتراض به دستگیری محمود صالحی برگزار گردید. آکسیون با توضیحی درباره دلیل تجمع کنندگان و خواندن نامه نجیه صالح زاده همسر محمود صالحی شروع شد. ابتدا بختیار پیرخضری مسئول واحد، دلیل این تجمع اضطراری را توضیح داد و ضمن اشاره به وضعیت وخیم محمود صالحی و خطر جدی که جان وی را تهدید میکند، به اهداف اخیر جمهوری اسلامی در سرکوب فعالین جنبش کارگری در ایران اشاره کرد. ... صفحه ۳

"استادان مسلمان پیرو خط امام"

در حاشیه نقد زیبا کلام به اصل ولایت فقیه ثریا شهابی



ایران، که هرچند به ای که بر سر راه حرکت اش در رسیدن به کعبه آمال حکومت "عدل علی" مانعی ایجاد کرد را "درو" و ریشه کن کرد، صاحب ندارد! کسی حاضر نیست با تمامیت آن عکس بگیرد و خود را صاحب آن کند! همه انگشت اتهام را به طرف دیگری می گیرند! ظاهرا این قطار طی قریب چهل سال بدون سوزن بان و راننده و بلیط فروش و درجه یک نشین و درجه سه نشین، بدون تعمیرکار و آبادارچی، "خودبخود" حرکت کرده است! ... صفحه ۴

جمهوری اسلامی ایران اپوزیسیون خود است. امروز از مقام معظم تا روحانی و خاتمی، از مهره های اصلی انقلاب فرهنگی چون دکتر زیباکلام ها و عبدالکریم سروش ها تا ابراهیم یزدی ها و رفسنجانی ها، از رئیس جمهورهای قبلی و رئیس جمهور فعلی و کاندید بعدی آن، از نمایندگان قبلی و حاضر در مجلس تا وزرای سابق و شاغل، همه و همه امروز اپوزیسیون نظام و مخالف مصائب نظام اند. همه از محصولات چهارمین دهه حاکمیت نظام شان "کسل" و بسیار شاکی اند! ظاهرا قطار سریع السیر حاکمیت جمهوری اسلامی

حکمتیست ۱۸۴

۶ نوامبر ۲۰۱۷ - ۱۶ آبان ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود

زنجیرهایی که گسسته میشوند

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

"طبقه کارگر جز زنجیرهای دست و پایش چیزی ندارد از دست بدهد!"

دیروز محمود صالحی زندانی بیمار را در بخش مراقبت بیمارستان سقر به زنجیر بستند. مشاهده زنجیر بر پاهای محمود هم بغض را در گلو خفه می کند و هم پیامی از زبونی دشمن در مقابل طبقه کارگر به جامعه است.

بورژوازی حاکم ایران خوب می داند که محمود صالحی تنها نیست. اگر محمود تنها بود نیازی به این کار نبود. بورژوازی برای سرکوب و تحقیر و ارباب جامعه هیچ کم نمی آورد. اما این ظاهر داستان است. در اعماق جامعه چند ده میلیونی کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان جوش و خروشی به طول عمر جمهوری اسلامی در جریان بوده و هست. رژیمی که از راه رفتن دختری با موهای بیرون زده روی گونه ها و شانه هنوز وحشت دارد، از یک فعال و رهبر کارگری بسیار بیشتر هراسان است. جمهوری اسلامی خوب می فهمد که محمود صالحی فرار نمی کند. او زمانی که سالم تر از امروز هم بود فرار نکرد. او یک سخنگوی وفادار به طبقه اش است و بورژوازی حاکم این را می داند و می خواهد این صدا را به زنجیر بکشد، تحقیر کند تا آن را بشکند. اما این تلاش به شدت مذبوحانه و مایوسانه ای است. جمهوری اسلامی می داند که فعالین و پیشروان طبقه کارگر نه تنها زمانی که آزادند بلکه زمانی که در زندان هم هستند پیام خود را علنا به جامعه می فرستند. ص ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

از "صلح دوفاکتو" ... از حالا از انتخابات آتی، از خطر "بحران ناامیدی" و عدم شرکت در آن و "خطر بحران اجتماعی" میگویند. هیچ پیروزی این چنینی مشکل ساز و نگران کننده و هیچ انتخاباتی به این سرعت زمینه ساز بحث و نگرانی از آینده نبوده است. معضل اینها صرفا موقعیت امروزشان یا انتخابات چهار سال بعد و موقعیت شان در آن روزها نیست، معضل شان ادامه بقا جمهوری اسلامی تا انتخابات آتی و سالم رسیدن همگی به آن روزها است. معضل شان، به گفته تئوریسین ها و متفکرینشان، "بن بست و نیاز نظام به ثبات سیاسی" است. بی دلیل نیست هشدار میدهند و خاصیت خود در حفظ نظام در مقابل نفرت توده ای و نیاز "نظام" به خود را به رخ رقیب میکشند، از بی نیازی شان به جناح رقیب میگویند و همزمان برای آشتی و صلح تلاش میکنند. پشت طرح ها، عجز و ناله و نارضایتی "اصلاح طلبان" از موقعیت و سهم امروزشان در هیئت حاکمه، واقعیات و خطرهای بنیادی تر و عمیق تری خوابیده است. خطر بی	آلترناتیو و خلع سلاح شدن جمهوری اسلامی در مقابل جامعه ای که بیش از این نمیتوان خفقان، قوانین اسلامی، فقر، بیکاری و فلاکت را به آن تحمیل کرد. کابوس رویارویی با مردمی که دیگر مدتها است نمیتوان با وعده های توخالی بهبود اقتصادی و سیاسی در انتظار نگاه داشت. خطر خلع سلاح شدن در مقابل طبقه کارگر و مردمی که در کمین به زیر کشیدنشان نشستند. متفکرین و سران این جناح خطر را بو کشیده اند و هشدار میدهند که حاشیه ای تر شدن آنها از طرف متحدین یا مولفین دیروزی عواقب خطرناکی برای کل "نظام" خواهد داشت و میتواند سرآغاز بسته شدن پرونده کل جمهوری اسلامی باشد. "صلح دوفاکتو" و "بازی دادن جناح سوم"، "ایران برای ایرانیان"، سرمایه گذاری بر وضعیت نابسامان سیاسی - اقتصادی و خطر انفجارهای اجتماعی علیه فقر و بیکاری، نشان دادن شکست وعده های گشایش اقتصادی دولت شان و همه و همه برای نشان دادن وخامت اوضاع و همزمان خاصیت شان در مقابل گسترش اعتراض میلیونی	طبقه کارگر و مردم محروم به خفقان و سرکوب، بیحقوقی، فقر و فلاکت است. اینها روی نقش و اعتبار خود بعنوان سویاپ اطمینان رژیم زیادی حساب باز کرده اند. اینها هیچگاه برای مردم تشنه آزادی و رفاه و برابری نه منشا امید به تغییر که عاملی در تعمیق شکاف در بالا و تضعیف جمهوری اسلامی، بودند. حتی زمانی که بخشی از جامعه به دنبال سبز و سرانش رفتند نه از سر توهم به ظرفیت آنها در ایجاد بهبود که از توهم به قدرت آنها در تضعیف حاکمیت بود. ایندوره هم سپری شد و به تاریخ پیوست. امروز بیش از هر زمانی کارت بازی با "نارضایتی مردم" و "خطر بحران اجتماعی" برای گروهی سیاسی سوخته است! امروز بیش از هر زمانی جمهوری اسلامی با هر جناح و باند و دار و دسته ای، تمام قد در مقابل دهها میلیون مردم محروم و معترض در ایران، قرار گرفته است و نه "آشتی ملی" و "صلح دوفاکتو" و نه ترساندن مردم از تحریمهای بیشتر، "خطر ترامپ" و تحریکات اسرائیل و عربستان و جنگ و ناامنی	منطقه، آنرا نجات نمیدهد! جامعه ایران بر آتشفشانی از خشم و نفرت از جمهوری اسلامی با همه جناح و دستجاتش، با همه قوانین و نهادهای سرکوبگرش، نشسته است. اگر امروز سایه سیاه اوضاع نابسامان منطقه و جهمی که به بشریت تحمیل کرده اند، بر جامعه سنگینی میکند، اگر طبقه کارگر و زن و جوان و صف میلیونی محرومان آن جامعه، فعلا توازن را برای عروج همه جانبه خود و جدال نهایی مناسب نمیدانند، اما این آشکده در درون میجوشد. اینرا طراحان "صلح دوفاکتو" بهتر از هر کسی میدانند.
---	---	--	---

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

مرکب بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

گزارشی از لندن ...

ایشان در بخشی از سخنانش گفت: "ما در خارج کشور و کارگران و فعالین کارگری در داخل ایران به شما اجازه نخواهیم داد محمود را نیز مانند شاه‌رخ زمانی، علیرضا داوودی، کورش بخشنده، محمد جراحی، افشین اسانلو و ... از بین ببرید."

ایشان همچنین به فعالیت‌های محمود صالحی به عنوان یک فعال کارگری که گناهی جز دفاع از حقوق کارگران نداشته و اینکه جمهوری اسلامی فعال هر جنبشی را که دستگیر میکند اتهام اقدام علیه

امنیت ملی را به آنها میزند، اشاره کرد؛ "جرائم" رضا شهابی، سعید شیرزاد، جعفر عظیم زاده و ... هم همین دست اتهامات بی اساس بود و هست.

بعد از آن رفیق حسن فعال چپ و آتارشیست با سابقه در لندن به زبان انگلیسی چند بار دلیل تجمع و وضعیت محمود صالحی را برای رهگذران و مخصوص یک گروه انگلیسی و سایر مراجعه کنندگان انگلیسی زبان که برای گرفتن ویزا به کنسولگری آمده بودند و در داخل و بیرون در صف ایستاده بودند توضیح داد. سپس جمیل خوانچه زر کادر

حزب، ضمن تاکید دوباره وضعیت وخیم محمود و مشکلات کارگران و فعالین کارگری در ایران، گفت که "خارج کشور را برای حضور جمهوری اسلامی ناامن خواهیم کرد؛ دنیا را روی سرشان خراب خواهیم کرد؛" ایشان همچنین به ماهیت کثیف جمهوری اسلامی و کارنامه ننگین آن در سربسته نیست کردن فعالین عرصه‌های مختلف اشاره کرد و یادآور شد تا آزادی فعالین کارگری و تمام زندانیان سیاسی دست از سرتان برنمی‌داریم و به تجمعات مان ادامه خواهیم داد. در ادامه سونیا محمدی و

کاوه آهنگر با قرائت دو قطعه شعر انقلابی که به نقل از خودشان آن را رو به "جمهوری توحش" میخوانند فضای گرم و شورانگیزی را به جمع دادند.

لازم به ذکر است رفقا دشتی جمال و نوری بشیر به نمایندگی از حزب کمونیست کارگری کردستان در این آکسیون شرکت و حمایت خود را از اقدامات مان در اعتراض به دستگیری محمود صالحی اعلام کردند.

این آکسیون که از طرف تشکیلات لندن حزب حکمتیست - خط رسمی فراخوان داده شده بود با

شکایت کنسولگری روبرو شد و پلیس را به محل تجمع فراخواندند. از کنسولگری به پلیس اطلاع داده بودند که "کمونیست‌ها" قصد حمله به کنسولگری را دارند و سیمای کریه پلیس نیز با ماشین و آمبولانس در مقابل ساختمان کنسولگری قرار داشت.

در پایان تجمع کنندگان ضمن ابراز خشم و نگرانی از وضعیت محمود صالحی و سایر کارگران زندانی وعده برپایی آکسیون‌های بعدی را دادند.

واحد لندن حزب حکمتیست - خط رسمی
یکم نوامبر ۲۰۱۷

اطلاعیه دفتر کردستان ...

بیانیه‌های فعالین و رهبران کارگری و سیاسی در زندان کم نیستند. اگر بورژوازی فکر می‌کند با این عمل شنیع و ضد انسانی طبقه کارگر و جامعه را مرعوب می‌کند، کور خوانده است. جمهوری اسلامی سرمایه داران خوب بداند، طبقه کارگری که امروز شاهد به زنجیر کشیدن فعالین و رهبران خود است، فردا بغض در گلو خفته اش منفجر خواهد شد و آن زمانی است که برای پشیمان شدن بورژوازی از فجایع و جنایات و اهانت هایش به انسان و به

جامعه دیر است.

در جامعه کارگری و سوسیالیستی ما حتی سرسخت ترین دشمنان نه به زنجیر کشیده می‌شوند و نه زندگیشان گرفته خواهد شد. ما جامعه ای می‌سازیم که قابلیت ان را دارد انسانیت را به سرسخت ترین دشمنان انسان برگرداند و فرصت زندگی شرافتمندانه و آزاد و برابر را به آن‌ها بدهد.

کارگران !

مشاهده پاهای زنجیر شده محمود صالحی به تخت بیمارستان نشان می‌دهد که

ما با چه دشمن ترسو، پست، حقیر و زبونی روبروئیم. دشمنی که از یک انسان آگاه و یک عضو طبقه ما حتی مریض و روی تخت بیمارستان در مقابل چند میلیون نیروی نظامی و پلیسی اش می‌ترسد. و حق دارد بترسد چرا که این دشمن زبون و مستاصل می‌داند که محمود تنها نیست. پشتش به طبقه ای چند ده میلیونی بسته است که اگر امروز زنجیرهای استثمار و بردگی مزدی را برپایش بسته‌اند و اگر رفیقش را روی تخت بیمارستان به زنجیر کشیده‌اند، اما زمان

گسستن این زنجیرها فرا می‌رسد. اکنون و همین امروز باید نشان داد که طبقه کارگر ایران و دوستان و رفقای محمود در میان کارگران در سراسر ایران و در کردستان، ساکت و نظاره گر نخواهد بود. نباید به رژیم ترسو و جنایت پیشه و ابله اجازه داد با به زنجیر کشیدن انسان، به جامعه و انسانیت دهن کجی کند. باید رفت و با دستان خود زنجیر برپاهای محمود را باز کرد و از زندانبانان و نگهبانان اسارت انسان خواست که در مقابل محمود سر تعظیم فرود آورده و از او

و طبقه و جامعه اش تقاضای عفو و بخشش کنند. با اعتصاب و اعتراض و تجمع، صدور بیانیه‌ها و امضای تومارها از دولت سرمایه داران و زندانبانهایش بخواهیم که فوراً محمود صالحی و کلیه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی را آزاد کند.

دفتر کردستان حزب

کمونیست کارگری -

حکمتیست (خط رسمی)

۱۵ آبان ۹۶ (۶ نوامبر

۲۰۱۷)

زنده باد همیوت انسانی!

نه قومی، نه مذهبی!

نشریه هکمت**حزب حکمت‌پست (خبرنامه)****www.hekmatist.com**

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

سیر جدال مردم با ارتجاع اسلامی به "جدال با آمریکا"، توانستند سهم مهمی در پایه گذاری نظام داشته باشند، تلاش زیبا کلام ها، با همان پرچم و برای ایفای نقش مشابه، در شرایط دیگری است. تلاش "استادان مسلمان پیرو خط امام"، برای کشاندن جدال مردم با ارتجاع اسلامی به جدال با "اصل ولایت فقیه"، پروژه از پیش سوخته است. بازی با ورق قربانی کردن "اصل ولایت فقیه"، آنهم در سیر انحطاط امروز حاکمیت، میتواند پایان کار نظام باشد. اگر "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" اول خط بود، "استادان" همان جریان، میتوانند و باید آخر خط باشند.

خمینی"، تلاشی است: یکم برای حفظ و نجات نظام که "خط امام" و "خمینی" و "سپاه" و "قانون اساسی" مهمترین ارکان آن است، و دوم برای شکل دادن به اپوزیسیونی در فردای فروپاشی یا بحران های بنیاد برانداز آینده جمهوری اسلامی ایران!

انتقادات زیبا کلام ها، امروز فازی است از مراسم خشک کردن عرق شرم "شکست ایدئولوژیک" شان در میان خودی ها! اما مهتر "چشمکی" به بخشی از بورژوازی غرب است، که بدنبال یافتن متحدی از "جریان اصلاح و تغییر از درون نظام" است! فاز بعدی احتمالا حصر و "ممنوع المنبر" کردن ایشان باشد.

افاضات امروز زیبا کلام ها در نقد "اصل ولایت فقیه"، تلاش او برای ایجاد سپر حفاظتی از گسترش آن به سمت خمینی، بعنوان "ته مانده" ایدئولوژیک نظام، به تحرکات "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در سه دهه قبل وصل است. این ادامه همان راه است در شرایط دیگری و با امکانات دیگری!

اگر "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در حمله به سفارت آمریکا و کشاندن

انقلاب از پائین، که اساسا زیر فشار خرد کننده تناقضات و بن بست های سیاسی - اقتصادی و ایدئولوژیک درونی نظام، بر پیشانی نظام خورده است. هنگام عروج اپوزیسیون دیگری از درون نظام است. به این امید که بتوان نظام را از زیر تیغ حمله دشمنان داخلی آن، دشمنان فقر و فلاکت و بیکاری و فساد و زن ستیزی و اعتیاد و سیطره اسلام بر زندگی سه نسل، بدر کرد!

وقت عروج اپوزیسیون دیگری از درون نظام است، به این امید که بتوان راه دشمن داخلی، راه میلیون ها مردمی که میدانند ریشه همه مصائب شان خود نظام است را به سمت این و آن "گفتمان" بی مایه، کج کرد! تلاش و امیدی که بیش از آنکه بر "ناآگاهی"، "عوام فریبی" و "تحقیق" توده مردم متکی باشد، مردمی که دشمنان شان را به خوبی می شناسند، به "حامیان بیرونی"، به جلب نظر بورژوازی غرب و به بحران های آتی، چشم امید دارد.

سخنان و انتقادات اخیر طیفی چون "استاد زیباکلام" ها علیه "اصل ولایت فقیه" و منتسب کردن آن به "اطرافیان بد

استادان مسلمان ...

هیچ کس مسئول جانور تاریخی که جملگی با هم خلق و بزرگ کرده اند، نیست! نه رئیس جمهور دوران جنگ و حکم جهاد، نه مهندسین انقلاب فرهنگی و هالوکاست های پی در پی اسلامی، نه موسوی و خلخالی و رفسنجانی و کربوبی و رهنورد و گنجی و سروش و زیبا کلام، نه "طفل معصوم" های مالتی میلیارد اعوان و انصار و حواریون شان!

احتمالا خانواده های میلیونی طبقه کارگر به فقر و فلاکت کشیده شده، دانشجویان سرکوب شده، زنان تحقیر و خفه شده زیر سم چهارپایان اسلامی حاکم، قربانیان جنگ برای "فتح کربلا" و "مدافعین حرم"، صف طویل اعدام شدگان و خانواده هایشان، معتادان و بیکاران و گورخوابان و تن فروشان و کلیه فروشان و کودکان خیابانی، مسئول و مسبب باتلاقی هستند که هشتاد میلیون نفر در منجلاب آن گرفتار است!

این تصویر، چیزی نیست جز انعکاس تمام و کمال شکست ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران! شکستی که "مهر" آن نه توسط محکومین و یک خیزش و

زنده باد انقلاب کارگری!